

نگاهی به فعالیت‌های مرکز ارتباطات و رسانه آستان قدس رضوی در ماه مبارک رمضان

# عرض ارادت رسانه‌ای

۴

ساعتی پای صحبت‌ها و روایت‌های حاج حسین علمی، پیشکسوت قرآنی

## همه چیز برای خدمت به قرآن مهیاست

اگر فیلم‌نامه‌نویسی می‌خواست ماجرای زندگی یک استاد و پیشکسوت قرآنی را برای مدیوم سینما بنویسد، بی‌شک بهترین انتخاب برای نوشتن اولین صحنه می‌توانست همین توضیحی باشد که طرف ما در این گفت‌وگو برای بیان تاریخ دقیق تولدش بیان می‌کند. مردی که هنوز ساعتی از تولد فرزندش نگذشته است، قرآن را باز می‌کند و بر پشت جلد آن تاریخ تولد و نام فرزندش را قلمی می‌کند. شاید بتوان چنین تصویری را پیش‌درآمدی دراماتیک برای عجین شدن نام و زندگی یک کودک تازه ...



ناشنیده‌هایی از فعالیت‌های محمدتقی بهار، ادیب و سیاستمدار معاصر در مشهد مقدس

## ثقة الكتابی که ملک الشعرا شد

قدس رضوی شد. بنابراین رسیدن محمدتقی بهار به مقام ملک‌الشعرایی آستان، دست‌کم هشت سال پس از شروع خادمی وی در کشیک اول و فعالیتش به عنوان ثقة‌الکتاب در کتابخانه بوده است.

#### ■ مدت حضور در خدمت

اینکه حضور محمدتقی بهار در تشکیلات آستان قدس رضوی تا چه زمانی ادامه داشت، دقیقاً معلوم نیست. می‌دانیم که او در جریان استبداد صغیر – دوره سلطه محمدعلی شاه بر کشور – عملاً تحت تعقیب و مغضوب حکومت بود و هم‌زمان اشغالگران روس نیز کینه او را به دل داشتند و دربه‌در به دنبالش می‌گشتند. در اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی مربوط به سال ۱۳۲۵ق/ ۱۲۸۶ش، از بهار با همان عنوان ثقة‌الکتاب کتابخانه آستان یاد می‌شود، اما پس از آن اطلاعات دقیقی در این باره وجود ندارد. در

تنها افتخار ملک‌الشعرای جوان نبود. او علاقه فراوانی به کتاب و مطالعه متون قدیمی داشت و کتابخانه آستان قدس رضوی مکانی بود که می‌توانست عطش بهار را در این زمینه تا حد زیادی فرو بنشانند. این بود که مدتی پس از ورود به کشیک اول، از پدرش خواست پادرمیانی کند و با طرح موضوع نزد حاکم خراسان، برای محمدتقی جوان راهی به سوی کتابخانه حرم مطهر بگشاید. البته او می‌توانست هر زمان که مایل باشد، به سراغ کتابخانه برود و از منابع آن استفاده کند؛ اما در آن زمان، مقررات کتابخانه دست و پاگیر بود و چنان که باید و شاید اجازه فعالیت و مطالعه به ملک‌الشعرا نمی‌داد (شرح برخی از این محدودیت‌ها را یک بار در یکی از شماره‌های رواق خدمتستان عرض کردم). مرحوم محمدکاظم صبوری با درخواست پسر موافقت کرد و با همراهی نصیرالملک شیرازی که در آن زمان

محمدحسین نیکبخت | نام محمدتقی بهار در تاریخ معاصر ایران و به ویژه تاریخ معاصر مشهد، نامی آشنا و تأثیرگذار است. او یکی از برجسته‌ترین ادیبان دوران بود و افزون بر این، در فعالیت‌های سیاسی و روزنامه‌نگاری نیز حضور جدی داشت. فراوانی اقدامات و مشاغل او در این امور موجب شده بیشتر ملک‌الشعرای بهار را از منظر ادبی یا فعالیت‌های سیاسی‌اش بشناسیم. شاید بسیاری از شما خوانندگان عزیز ندانید که بهار فعالیت‌های متعددی در آستان قدس رضوی داشت و تا پیش از مهاجرت به تهران، به علت تحت تعقیب قرار گرفتن توسط سربازان تزار روس، یکی از کارکنان فرهنگی و فعال آستان قدس محسوب می‌شد.

#### ■ شروع خدمت از ۱۵ سالگی

ماجرای ارتباط محمدتقی بهار با آستان قدس رضوی، به پیشینه خانوادگی او و البته جایگاه پدرش، ملک‌الشعرای صبوری در این تشکیلات بازمی‌گردد. اگر یادتان باشد یک بار ضمن بررسی جایگاه و مقام ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی، به نام بهار و پدرش اشاره کردیم. ملک‌الشعرای بهار در سال ۱۲۶۵ خورشیدی در محله سرشور مشهد، در کوچه چهنو و در منزل پدری‌اش متولد شد. افراد خانواده وی عمدتاً طبع ادبی داشتند و او نیز از این استعداد، به حد کمال برخوردار بود و سروده‌های محکم و پرمفهومی می‌سرود. اما اگر فکر کرده‌اید الان قرار است در مورد ملک‌الشعرای وی به جای پدرش در آستان قدس حرف بزنم، سخت در اشتباهید! ملک‌الشعرای بهار در سال ۱۲۸۳ خورشیدی پس از درگذشت پدرش، محمدکاظم صبوری بر اثر بیماری وبا، ملک‌الشعرای آستان قدس شد، اما این نخستین ارتباط وی با تشکیلات آستان و اولین خدمت در این مکان مقدس نبود. محمدتقی بهار در سال ۱۲۸۰ خورشیدی، زمانی که ۱۵ سال داشت، به درخواست پدرش و با تأیید نیرالدوله، حاکم وقت خراسان به عنوان خادم کشیک اول منصوب شد و برای انجام وظیفه در کشیک یاد شده، حضور می‌یافت. شاید در آن زمان، بهار جوان‌ترین خادم حرم مطهر بوده باشد.

#### ■ ورود به کتابخانه آستان قدس

با این حال، خدمت در کسوت خادمی کشیک اول،



خاطر ات/ حضرت آیت الله خامنه‌ای

## در جامعه قرآن اصل است

۲

درباره اسنادی که مبدع بسیاری از تحولات قرآنی در کشور شد

## نیم قرن خدمت به قرآن

میزبانی مسجد گوهرشاد از ۶۰۰ دانش آموز

## اعتکاف جوانه‌ها

## گذری بر خاطرات شیرین جلسات خانگی قرآن

۲

در نشست «تبیین پیام‌های دینی و ارتباطی

ماه مبارک رمضان» مطرح شد

### ماه رمضان

### مجموعه‌ای برای تنظیم ارتباطات

۲

### دعا

### دو روی سکه تولی و تبری

**حجت‌الاسلام دکتر خیاط |** اللهمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبًّا لِأَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِيًّا لِأَعْدَائِكَ مُسْتَنًّا بِسُنَّتِهِ خَاتِمَ أَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ.

امروز از خدای سبحان در قالب این دعا دو درخواست داریم: می‌گوییم خدایا دوستی دوستانت و دشمنی دشمنانت را برای من مقدر کن و من را پیرو راه و روش و سنت خاتم الانبیاء(ص) قرار بده.

یکی از مهم‌ترین اصول و ارکان در دین اسلام، دوستی با دوستان خدا و دشمنی با دشمنانش است. همان تولی و تبری که در اعتقادات به عنوان اصول دین شناخته می‌شوند. این‌ها دو روی یک سکه است مثلاً نمی‌شود با دوستان خدا دوستی کند اما با دشمنش دشمنی نکند. دوستی با خداوند حرفی است که همه می‌توانند ادعا کنند اما نیاز به اثبات دارد. چطور می‌توان اثبات کرد؟

دوست خدا باید دوست اولیای الهی باشد. در روایت داریم پیامبر(ص) فرمود: می‌دانی محکم‌ترین دستگیره‌های ایمان چیست؟ دوستی و دشمنی در راه خدا و تولی با دوستان و تبری از دشمنان خداست. این صفات اولیا را اگر تطبیق کنیم برترین و بارزترین مصداق اولیا و دوستان خدا، پیشوایان معصوم هستند که در دوستی خدا صادق و دشمن با دشمنان خدا هستند.

در فراز پایانی از خدا می‌خواهیم ما را به روش و سیره پیامبر خدا استوار بدارد. انسان مؤمن و دوست خدا باید در جامعه موضع و هدف داشته و در این راه قاطع باشد. با منکرات و دسیسه‌های دشمن مبارزه کند. نشان بدهد دارای یک هویت اسلامی و انسانی است و زیر بار حرف زور نمی‌رود و قاطعانه در مقابل دشمنان، اهداف و فرهنگشان مبارزه می‌کند.

پیروی از سنت پیامبر(ص) که به عنوان تقاضای دوم در این دعا مطرح شد نکته مهمی است. نحوه زندگی شخصی و اجتماعی پیامبر(ص) برای ما جنبه قانون دارد و تضمین می‌کند اگر این گونه حرکت کنیم به حسن عاقبت می‌رسیم.

## پیمنت زنده‌گی

### آه پناه است

**رقیه توسلی |** به حال خودش نیست. چادر را کشیده روی صورتش و دست به دامن اشک و حرف شده و رو به ضریح هی آقا را صدا می‌زند و نذر می‌کند. نصف به نصف کلامش، مفهوم است. می‌خواهم سر به گریبان باشم، نمی‌شود. نگاه و هوش و حواسم پیش اوست، پیش خانمی که مکرر آه می‌کشد. آه می‌کشد و می‌گوید مریم... آه می‌کشد و می‌گوید فرهاد... می‌گوید باباحمد... نریمان... آه می‌کشد و می‌گوید بی‌بی‌جون. نقسم تنگ می‌شود. مفاتیح را می‌بندم.

نمی‌توانم عادی باشم. نمی‌دانم چه می‌شود که شروع می‌کنم به همصدا شدن با بانوی دلشکسته. هر اسمی که می‌گوید را تکرار می‌کنم. چشم‌هایم را می‌بندم و آه می‌کشم و می‌گویم؛ مریم، باباحمد، فرهاد... از ته دل هم می‌گویم. انگار که می‌شناسمشان. انگار که غریبه نیستند. همراهی می‌کنم با خانمی که هنوز دارد گریه می‌کند. نشسته‌ام گوشه‌ای از «امامزاده عباس». آمده بودم زیارت، استخوان سبک کنم و در خانه‌اش را بکوبم و

از غصه‌هایم ریزریز با آقا حرف بزنم که ورق برگشت. حالا وسط اسامی می‌چرخم که انگار سال‌هاست آشنایی دارم با آن‌ها. بانوی گریان، تلفنش زنگ می‌خورد. بعد یک ساعت و خرده‌ای ناله جایش را می‌دهد به پیچ‌پچه‌ای ضعیف ... تلفنش که تمام می‌شود، چادرش را مرتب می‌کند که برود... صورتش را که می‌بینم منقلب می‌شوم. باورم نمی‌شود. استادمان است. استاد دانشگاهمان. بااخلاق‌ترین و خورشورترین استاد

راهنما. همان که سراپا امیدواری بود. بی‌اختیار آه می‌کشم. آه!

#### سنجاق

راوی می‌گوید: همراه امام صادق(ع) به عیادت رفتیم. آن بیمار پشت سر هم «آه» می‌کشید. به وی گفتم برادر من، جای آنکه آه بکشی، پروردگارت را بخوان. که امام با گوش دادن به سخن من فرمود: آه نامی از اسامی خداوند عز و جل است. کسی که آه بکشد گویا به خدای تبارک و تعالی استغائه کرده.

#### منبر مجازی

### خدا در مهربانی کم نمی‌گذارد



**حجت‌الاسلام پناهیان |** «ادعونی استجب لکم». من را بخوانید تا شما را اجابت کنم. این جلوه‌ای از مهربانی خداوند است. اگر این درست باشد من با یک شب قدر از اولیاء‌الله می‌شوم. قطعاً همین طور است. اما گاهی این الطاف الهی را وسط راه می‌گذاریم و می‌رویم. خدا می‌گوید این همه را به تو عطا کردم. ما خودمان بی‌ایمان هستیم و گرنه او از مهربانی برای ما کم نمی‌گذارد. خدا را خوب به مردم معرفی کن.

الهی العفو بگو به خاطر اینکه پس از بخشش گناه توسط خدا، بنده شرمندehاش می‌شود. به خاطر شرمندگی، الهی العفو بگویید. بگو ببخشید ولی من گناه کردم. امام سجاد(ع) در صحیفه این گونه صدا می‌زند که خدایا! وقتی من را بخشیدی من بعد از آن چه کنم؟ معلوم نیست چه کسی را عبادت کردی که از او لذت نبردی؟ هم آبروی دین را برای بقیه می‌بری هم چیزی گیرت نمی‌آید! این چه خدایی است که تو حسش نمی‌کنی؟ یعنی خدای تو این قدر کم‌الترتر از رفاقت است؟ این نوع خدابردستی را جمعش کن! امام رضا(ع) فرمود: «من ذکر الله و لم یشتق الی لقائه فقد استهنزی بنفسه» کسی که به عبادت خدا بپردازد و مشتاق عبادت خدا نشود خودش را مسخره کرده است.

«القلب حرم الله» در این حریم نباید کسی را غیر از خدا قرار داد و اگر این قلب را ما بتوانیم تسخیر و به اعماقش راه پیدا کنیم، هر ارتباط عمیق قلبی موجب اشک می‌شود. چرا گریه را ملاک قرار می‌دهند؟ برای اینکه گریه علامت یک ارتباط عمیق قلبی است. رفقا! هر کسی صادقانه نیت داشته باشد، خدا منتظر عملش نمی‌شود. خدا منتظر امتحانش نمی‌شود. تو صادقانه بگو خدایا تو را می‌خواهم. منتظر نمی‌شود ببیند فردا چه می‌کنی. خدا می‌گوید تو به من راست بگو، من همه زیبایی‌های عالم را در قلبت قرار می‌دهم.

ما باید حالات درونی خودمان را مراقبت بکنیم. حالات ما نباید منفی باشد. اگر نسبت به آینده حالمان بد باشد، یکی از عوارضش این است که ما مأیوس می‌شویم. خیلی وقت‌ها گناه در اثر همین مأیوس بودن رخ می‌دهد. خیلی وقت‌ها گناه در اثر همین روحیه بد داشتن رخ می‌دهد. همان ابتدای دعای کمیل می‌خوانیم: «اللهم اغفر لی کل ذنب اذنبته و کل خطیئه اخطأتها»، پس از اینکه چند گونه استغفار می‌شود، در یک جمع‌بندی به خدا می‌گوییم: «خدایا همه گناهان ما را ببخش».